



● تصویر (۱): نقشه بهارستان، اواخر قرن سیزده خورشیدی، ۴۵۰ در ۳۱۰ سانتی متر ●

باغ فرش کرمان

«تا پایه‌های فرهنگ استوار نشود؛ چرخ اقتصاد منظم نخواهد چرخید»

< علیرضا داور *

مدرس دانشگاه شهید باهنر کرمان
کارشناس ارشد طراحی فرش



کاشان، تبریز و...، مکتب طراحی فرش کرمان یکی از ریشه‌دارترین و گسترده‌ترین مفاهیم فرهنگی را به خود اختصاص داده است و گزاره نیست اگر گفته شود که کرمان در حیطه طرح و نقش، پربارترین و دست‌نخورده‌ترین منطقه طرح و نقش فرش ایران محسوب می‌شود. لازم به یادآوری است که مطالب پیش رو بیشتر در حدود طرح و نقشه فرش شهری کرمان است و ممکن است در موارد گسترده‌ای قابلیت تعمیم برای طرح و نقش فرش‌های عشایری و روستایی کرمان را نداشته باشد.

در این مختصر کوشش می‌شود تا چهار مفهوم اساسی که همواره در شکل‌گیری طرح فرش کرمان تأثیرات بسزایی داشته‌اند به استناد تصویر به حضور مخاطبین ارجمنند ارائه شود تا غنای فرهنگی طرح و نقش کرمان از چشممان دور نماند و مفاهیم فرهنگ کهن و ماندگار ایران برایمان تازه شود آن‌هم به مدد طرح و نقش فرش کرمان. ویژگی‌های گسترده‌ای را می‌توان برای طرح و نقش کرمان برشمرد. از این میان مفاهیم زیر اهمیت ویژه‌ای دارند.

- ۱- باغ و بهشت (مینو)
- ۲- ادبیات و شعر
- ۳- رویکردهای آیینی
- ۴- زن

پهنه جغرافیایی فرش ایران از تنوعی بی‌مانند برخوردار است؛ می‌توان این گستردگی را از حیث مباحث فنی-صناعی و فرهنگی-هنری به دو گروه کلی طبقه‌بندی کرد. گروه اول دربردارنده مبحث فرایند تولید فرش ایران است؛ زمینه‌هایی ازجمله اصول و روش‌های بافندگی در کنار مباحث ریسندگی الیاف و روش‌های رنگ‌رزی و غیره در زمره این بخش جای می‌گیرند. به‌طور گزیده، گروه اول چگونگی‌ها در فرش ایران را پوشش می‌دهد و گروه دوم به مقوله چیستی‌ها در فرش ایران مربوط می‌شود؛ در واقع مباحثی از جمله طرح و نقش، مفاهیم رنگ‌بندی، هم‌نشینی رنگ‌ها و فام رنگی، در کنار سیر تحول و تطور نقوش و خاستگاه آن‌ها و خلاصه هر آن چیز که به‌مثابه یک فرهنگ باعث استمرار و حیات فرش دستباف ایران است.

باید یادآوری کرد که بخش بزرگی از حدود گروه دوم، بنیاد و پایه‌ای برای مقوله‌های فنی و صناعی فرش ایران محسوب می‌شود. برای نمونه در منطقه بافندگی کرمان (راور) فرایند بافندگی با رفتاری بنام نقشه‌خوانی انجام می‌شود که خود این رفتار در حدود فرهنگی فرش ایران جای دارد؛ بنابراین نباید گمان کرد که این دو گروه با یکدیگر بی‌ارتباط هستند؛ چه‌بسا آن‌چنان در یکدیگر پیچیده و درآمیخته هستند که در مواردی شناسایی حدود هر یک کاری دشوار و گاه غیرممکن است. در میان مکاتب طراحی فرش ایران از جمله اصفهان، کرمان،



● تصویر (۳): نقشه چهارباغی، اواسط قرن چهارده خورشیدی، ۴۶۰ در ۳۰۰ سانتی متر



● تصویر (۲): نقشه باغی، اوایل قرن چهارده خورشیدی، ۵۹۰ در ۳۶۰ سانتی متر

باغ و بهشت

مفهوم بهشت یا مینو که از مفاهیم کهن فرهنگ اساطیری ایران محسوب می‌شود همواره دغدغه نقش‌پردازی در ایران فرهنگی بوده است. این مفهوم در حیطه ملموس و عینی خود متناظر باغ است و در واقع برداشت اولیه و مشخص انسان از مفهوم بهشت در تصویر باغ مجسم شده است. باغ، جوهره و هسته اصلی طرح و نقش فرش ایران است در فرش ایران از هر سو که جستجو کنیم باغ و بهشت با نهرهای پر آب و سرسبزی‌های خرم و سرفراز، همیشه یادآوری می‌شود اما آنچه در طراحی فرش کرمان شاخص است گوناگونی و تکثر نقشه‌های باغی است. از نقشه بهارستان (سبزی‌کار) که به‌منزله یک مرتع طبیعی و خودرو است (تصویر ۱) تا نقشه‌های چهارباغی که به‌منزله یک محوطه طراحی و الگوبرداری شده از پلان باغ‌های ایرانی هستند (تصویر ۲ و ۳)؛ تنوع مثال‌زدنی در طراحی حدوداً ۵۰۰ ساله فرش کرمان رقم خورده است. حتی در حدود دهه دوم قرن چهاردهم خورشیدی با تلفیق نقشه معروف لچک و ترنج که خود نیز برخاسته از باغ و بهشت است با نقشه باغی شاهد نمونه‌های نوین هستیم که در اصطلاح قاب قرآنی خوانده می‌شود. نقشه‌ای که مختص کرمان در روزگار پهلوی اول است. (تصویر ۴)

ادبیات و شعر

از باغ و بهشت که بگذریم نوبت به ادبیات و شعر می‌رسد. همکنش به سزایی میان ادبیات و مصادیق دیگر هنر وجود دارد، این تعامل روشن و مبرهن است. تمدن‌های ایرانی پیش از اسلام که به‌صورت مشخص در تاریخ از نمونه‌های هخامنشی و ساسانی آن‌ها بیشتر یاد شده است و همچنان بقایای آن‌ها پابرجاست؛ پس از حمله اعراب به ایران به‌واسطه گسل‌های فرهنگی و عواملی بی‌شمار متوقف شده‌اند؛ اما این رکود، دائمی و همه‌جانبه نبوده است و به‌باور متخصصین در چهار قرن اولیه پس از حمله اعراب به ایران، این ادبیات بوده است که بار فرهنگی ایران را به دوش کشیده است و به‌درستی محتوای فرهنگی-هنری را از دوران گذار به‌سلامت عبور داده است. به‌باور نگارنده این تعامل بین ادبیات و نقش به‌خوبی وجود دارد و در کرمان به بیشترین حد ممکن است.

نقش، واژه و زبان را پایه‌ریزی کرده است و پس از آنکه خط بر مفهوم تجریدی و آبستره خود به‌کمال رسیده و ادبیات را برآمده است، آنگاه ادبیات و واژه، حدود نقش را پاسداری کرده‌اند. در میان مکاتب طراحی فرش ایران همیشه شاهد هستیم که ادبیات به‌طور مشخص به دو صورت حضور دارد. یکی تصویرسازی از داستان‌های ادبی و عرفانی؛



● تصویر (۵): نقشه چند ترجمی، اواخر قرن سیزده خورشیدی، ۲۴۰ در ۱۶۰ سانتی متر، با مطلع شعر حافظ «خسروا گوی فلک در خم چوگان تو باد-ساحت کون و مکان عرصه میدان تو باد» ●



● تصویر (۴): نقشه قاب قرآنی، اوایل قرن چهارده خورشیدی، ۳۵۰ در ۲۵۰ سانتی متر ●

و دیگر، خوشنویسی از یک متن ادبی است. رویکرد ما در کرمان علاوه بر تصویرسازی، در حیطه خوشنویسی بسیار است؛ آن گونه که عموماً در طراحی فرش ایران خط (خوشنویسی) بیشتر در حاشیه‌ها و یا لچکی‌ها (گوشه) خودنمایی می‌کند، حال آنکه در طراحی فرش کرمان خط (خوشنویسی) به‌عنوان عامل تذکردهنده از یک مقوله ادبی، مؤلفه‌ای مقتدر در شکل‌گیری و آفرینش متن و زمینه‌ی فرش است. به بیان بهتر «خط، نقش است و نقش، خط است». (تصویر ۵)

رویکردهای آیینی

رویکردهای آیینی در طراحی فرش کرمان اهمیت ویژه‌ای دارند در کرمان دل‌مشغولی طراحان به مفاهیم آیینی فرهنگ ایران از جمله: جشن‌ها و آیین‌های طلب نعمت، آیین‌های تاج‌گذاری و رفتارهای آیینی دینی و عرفانی، مجموعه گسترده‌ای از طرح و نقش فرش کرمان را به خود اختصاص داده است. یکی از نمونه‌های برجسته در این باره نقشه‌هایی است که در آن‌ها مفاهیم شب‌نشینی به تصویر کشیده شده است؛ مانند تصویر (۶) که در آن به‌صورت انتزاعی مفهومی از شب پیدا دیده می‌شود که علاوه بر زمینه سورمه‌ای فرش که تعاملی گویا با شب دارد، نقش‌مایه چلچراغ نیز به‌منزله عنصر روشنی‌بخش

باغ فرش کرمان» یا «باغ فرش کرمان» همواره سرشار از تفکرات و اندیشه‌هایی است که کم و بیش از ۱۵۰۰ سال پیشینه برخوردار است. آنچه امروزه از طراحی فرش کرمان ارائه می‌شود (به غیر از موارد استثنایی) تلاش‌های بی‌چستی و چرایی است که جز تکرارهای بی‌پرسش یا نوآوری‌های بی‌پشتوانه ره‌آوردی ندارد. اگر قرار باشد که صنعت فرش کرمان رونق داشته باشد باید که فرهنگ فرش کرمان تداوم و رونق داشته باشد؛ چراکه حیات و استمرار چگونگی‌ها درگرو رشد و نمو چستی‌هاست. تا احساس چستی در ذهن بشر نقش نیندد و نیازی برای آن احساس نکند؛ چگونگی (فن) عملکردی مناسب نخواهد داشت.



● تصویر (۷): نقشه لچک و ترنج کف ساده، اواخر قرن سیزده خورشیدی، ۵۷۰۰ در ۳۵۰ سانتی متر



● تصویر (۶): نقشه ترنج دار دسته کلی، اوایل قرن چهارده خورشیدی، ۵۶۰۰ در ۳۵۰ سانتی متر

است. در کرمان افزون بر این رویکرد؛ نقشه‌های متمایز دیگری نیز وجود دارد که نقش زن به صورت تک فیگور به‌عنوان یک شخصیت مهم اجتماعی و گاه سیاسی، بار دیگر به سبک و سیاق هنر ساسانی ترسیم شده است. در واقع نام‌گذاری این نقشه‌ها نیز برگرفته از همان جایگاه زن در فرهنگ ساسانی است. رجوع شود به تصویر (۸)؛ در این فرش تصویر آرمیدخت ترسیم شده است.

سخن درباره طرح و نقش فرش کرمان پایان نمی‌پذیرد؛ «باغ فرش کرمان» یا «باغ فرش کرمان» همواره سرشار از تفکرات و اندیشه‌هایی است که کم و بیش از ۱۵۰۰ سال پیشینه برخوردار است. آنچه امروزه از طراحی فرش کرمان ارائه می‌شود (به غیر از موارد استثنایی) تلاش‌های بی‌چستی و چرایی است که جز تکرارهای بی‌پرسش یا نوآوری‌های بی‌پشتوانه ره‌آوردی ندارد. اگر قرار باشد که صنعت فرش کرمان رونقی داشته باشد باید که فرهنگ فرش کرمان تداوم و رونق داشته باشد؛ چراکه حیات و استمرار چگونگی‌ها درگرو رشد و نمو چستی‌هاست. تا احساس چستی در ذهن بشر نقش نبندد و نیازی برای آن احساس نکند؛ چگونگی (فن) عملکردی مناسب نخواهد داشت. پس پادمان باشد «تا پایه‌های فرهنگ استوار نشود؛ چرخ اقتصاد منظم نخواهد چرخید».

برای بلندترین شب سال نقش شده است تا همگان را به روشنایی و نیک‌اندیشی رهنمون کند. یا در تصویر (۷) که یک نقشه لچک و ترنج است، طبق‌هایی از انار، سیب و حتی در مواردی شیرینی در زمینه فرش وجود دارد که با روش استیلیزه طراحی و ترسیم شده‌اند.

زن

در میان نقوش انسانی به جا مانده از آثار هنر ایران، نقش «انسان-زن» بافاصله‌ای زیاد در گوناگونی و تکرار نسبت به نقش «انسان-مرد» ترسیم شده است. این مهم خود مصداقی است بر اهمیت شخصیت غیرقابل انکار زنان در تشکیل و تکمیل و حیات تمدن‌های بشری. تأثیر زنان به‌عنوان عامل مؤثر در یک جانشینی بشر و نیز تأثیر بسزایی‌شان در اختراع خط به‌عنوان یگانه دستاورد مهم همه دوران عمر بشریت؛ موضوع مهمی است که همه هزاره‌ها، طراحان در هنر ایران خود را به آن مدیون دانسته‌اند و دست از کشیدن زن نکشیده‌اند. این رفتار تا دوران معاصر ایران در فرهنگ طراحی فرش کرمان جلوه‌آمده است. در بیشتر مکاتب طراحی فرش ایران، نقش زن عموماً به‌عنوان معشوقه آورده می‌شود برای نمونه در تصویرسازی‌های از داستان لیلی و مجنون یا داستان شیخ صنعان، زن به‌عنوان معشوقه ترسیم شده



● تصویر (۸): نقشه تصویری، تصویر آرمیدخت، اوایل قرن چهارده خورشیدی، ۱۷۰ در ۱۲۰ سانتی متر ●